

شناختی بر آیین بودا در چین

بخش دوم

12 تیر 1391

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

در پرونده‌ی پیشین و بخش نخست این گزارش، به مختصر شرح و پیشینه‌ای پیرامون آیین بودا در چین پرداختیم. در این گزارش، به سیر تحولات آیین بودا در چین و مباحث دیگر خواهیم پرداخت.

سیر تحولات آیین بودا در چین

آیین بودا در ابتدا دینی درباری بود و تنها درباریان به آن گرایش داشتند. این امر ریشه‌ی اختلافات بسیاری را در عهده‌های بعد از دودمان «هان» به همراه داشت، زیرا گروه کثیری از درباریان و حتا عوام، با گرایش‌های کنفوسیوسی می‌زیسته و از این‌رو، به مقابله با آیین بودا برخاستند. این مقابله گاه به صورت جنگ‌های سرد سیاسی و گاه به طرق خشونت‌آمیز صورت می‌گرفت.

ترجمه‌ی آثار بودایی و تبلیغ آیین بودا در دوره‌ی «هان»، تقریباً به کلی کار خارجی‌ها بود. سقوط امپراتوری «هان» (220 میلادی) و تجزیه و حملات بربرها که پس از آن روی داد، راه را برای آیین بودایی هموار ساخت و انقلابی مذهبی به وجود آورد که در دوره‌ای که تاریخ‌نویسان کنفوسیوسی آن را «عصر هرج و مرج» خوانده‌اند، مهم‌ترین تکامل به شمار می‌رفت. هنگامی که مترجمان هندی با تعداد روز افزونی از همکاران چینی، همچنان مشغول کار عظیم ترجمه‌ی متون سانسکریت به چینی بودند، فرمانروایان تاتار در شمال، راهبان بودایی را در ایالات متصرفی، مشمول عنایات خود قرار می‌دادند.

در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی، آیین بودا در شمال چین فوق‌العاده ترقی کرد. به سبب آن‌که این منطقه با راه تجاری آسیای مرکزی مربوط بود و از آنجا با هندوستان رابطه برقرار می‌کرد، به طبع، مبلغان هندی بیش‌تر به آن توجه می‌کردند. این روند بدین منوال نماند و پس از مدتی، مخالفت‌ها دوباره آغاز شد.

در سال 466 میلادی فرمانروای امپراتوری شمالی، فرمانی علیه بوداییان صادر کرد و صدمات بسیاری را به دیرها و بودایی‌ها وارد آورد. تاریخ‌نویسان، معترف بودند که در سال 405 میلادی، از هر 10 خانواده در امپراتوری شمالی، 9 خانواده به آیین بودایی در آمده بودند. یک‌دهم افراد غیر بودایی، تقریباً حاکی از طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی «کنفوسیوسی» و پیروان «تائویی» یا «دائویی» بود که به مذهب جدید نپیوستند.

در سال 500 میلادی، آیین بودایی در سرتاسر چین حضور داشت. معابد و دیرهای بودایی در تمامی کشور ساخته شد و گروه کثیری از کاهنان و راهبان، در آن‌ها سکونت داشته و بسیار مورد احترام بودند. البته در این میان، چینی‌ها هنوز به سنت‌های دیرین و گروهی از آداب و رسوم کهن خود نیز پایبند بوده و تا امروز نیز این روند را حفظ کرده‌اند.

در سال 517 میلادی، نخستین «تری‌پیتاکا» یا مجموعه‌ی متون مقدس بودایی، با حمایت امپراتور «لیا وو دی»، مشهورترین خاقان چین جنوبی، تهیه و منتشر شد. در سال 533 میلادی نیز، یکی از فرمانرویان ایالات شمالی به نام «شیائو وو»، نسخه‌ی دیگری از «تری‌پیتاکا» را انتشار داد. متحد شدن شمال و جنوب در زمان سلسله‌ی «سویی» در سال 589 میلادی و تحکیم یک امپراتوری مجدد به وسیله‌ی خاندان «تانگ» در سال 618 میلادی، بار دیگر بر اهمیت آیین بودا افزود. اگر چه محققان کنفوسیوسی، در صد برآمدند قوانینی بگذارند که به موجب آن، تعداد کاهنان و صومعه‌های بودایی، محدود شود، ولی در این راه موفقیت زیادی به دست نیاوردند و آیین بودا، تحت حمایت دربار امپراتوری، ترقی کرد و به صورت مذهبی ملی در آمد و شعبه‌های نیرومند تازه‌ای یافت.

در سال 657 میلادی یک زائر بسیار معروف به نام «یوان چوانگ» پس از شانزده سال اقامت در هند، به چین بازگشت و آثار ارزشمند بسیاری را به ارمغان آورد. دوره‌ی «تانگ»، اوج شکوفایی هنر و فرهنگ در چین بود. در اواخر این دوره نیز، «کتاب‌های مصور» به صورت عمومی به چاپ رسید و این پیشرفت، در مصورسازی کتب مذهبی و بودایی، جلوه‌گر شد.

تا اواخر سلسله‌ی «تانگ»، آیین بودایی، که به طور چشمگیری بر اثر عقاید و افکار چینی‌ها تغییر یافته بود، در فرهنگ چین جایی پایدار به دست آورد که هرگز متزلزل نشد. اگر چه محققان کنفوسیوسی، مانند «هان‌یو» (768 تا 824 میلادی) در دوره‌ی «تانگ» و تعداد زیادی از افراد دیگر در دوره‌های بعد، با آن مخالفت می‌کردند، ولی توده‌ی مردم، آیین بودایی را بنابر سلیقه‌ی خود قبول داشتند و بودا را با حکیمان و خدایان ملی خود برابر می‌دانستند. پس از سلسله‌ی «تانگ»، آیین بودا تقریباً سیر یکنواختی را طی کرد. در این میان، مکاتب بودایی بسیاری خلق شد و خدایان متعددی شکل گرفتند.

در عهد «سونگ» (960 تا 1279 میلادی)، دین کنفوسیوس، بار دیگر تجدید حیات یافت. در این دوره که به «نو کنفوسیوس باوری» معروف است، بار دیگر باورهای کنفوسیوسی گسترش یافت، اما آیین‌های بودایی و دائویی نیز همچنان مانند قبل، جریان و محبوبیت داشتند. در این بین، آیین بودایی «چن» (در ژاپنی:

ذن)، ناگهان ترقی کرد و گسترش بسیاری یافت. روند گسترش آیین‌ها و مکاتب گوناگون بودایی، همچنان با تلاطم‌های تاریخی پیش رفت.

انقلاب فرهنگی چین، نقطه‌ی عطف دین‌گرایی در چین بود. بسیاری از معابد بودایی تخریب شده و یا به‌صورت متروک در آمدند و گروهی نیز به کارخانه‌جات تبدیل شدند. شمار کثیری از راهبان بودایی، تبعید شده و یا زندگی معمول را پیش گرفتند. پس از گذشت چند دهه، بار دیگر شعله‌های بودیسم افروخته شد، و اما نه مانند گذشته.

بنیان‌های فلسفی آیین بودای چینی

آیین بودا پس از ورود به چین، تغییرات بسیاری یافت. چینی‌ها با شگردهای خاص خود، علاوه بر حفظ سنت‌های دیرین‌شان، دین بودایی را پذیرفته و بنابر ایده‌آل‌های فرهنگی خود، آن را تغییر دادند. آیین بودا که در اصل مبانی فلسفی خود، مخالف خدایان بود، ناگهان غرق در خدایان متعدد شد و در این میان، گاه خود بودا نیز در مقام خدایی، مورد پرستش قرار گرفت.

چینی‌ها حتا گاه، جنسیت خدایان را نیز تغییر می‌دادند. برای مثال، رب‌النوع «اولکیتشوره» که در هند خلق شده بود و «بودی‌ستوه» ای مذکر بود، پس از حرکت به‌سوی چین، تغییر جنسیت یافت و به یک خدا بانوی بسیار محبوب به نام «گوان‌یین» تبدیل شد. امروزه محبوبیت این خدایانو در چین، بسیار بیشتر از خود بوداست.

چینی‌ها علاوه بر چنین ابتکاراتی، به خلق «بودی‌ستوه»‌های گوناگونی پرداختند، بودایانی که بیشتر «خداگونه» بودند تا موجوداتی انسانی. این بودایان یا خدایان، برای تمام امور دنیوی از قبیل کشاورزی، آشپزی، جنگ، هنر، موسیقی و غیره شکل یافتند و در پس هر کدام‌شان، داستان و افسانه‌ای خارق‌العاده خلق شده بود.

تعالیم بودا با آموزه‌های کهن چین در هم آمیخت و در این رهگذار، مکاتب بودایی بسیاری خلق شدند و طرفدارانی را گرد هم آوردند. از این‌رو، ذکر یک زیر ساخت فلسفی بودایی در چین، کار دشواری‌ست، زیرا در هر زمان و فرهنگ، ساختارهای فلسفی آیین نیز تغییر می‌یافت. گسترش آیین بودا در میان عوام، سیر گسترش باورها، خرافات و دیدگاه‌های گوناگون و متفاوت را در جامعه به ارمغان آورد. اما در این گیر و دار، آنچه در حالتی پایه‌ای، تمرکز آیینی بودایی را حفظ کرده بود، اصول اخلاقی ساده و کوتاه بودا بود. نوآوری فرقه‌های گوناگون بودایی، تنها شبیه به برگ‌های درختی بود که تمامی‌شان، متصل به یک تنه‌ی مرکزی بودند.

صاحب‌نظرانی چون «بناتریس لین سوزوکی» بر این باور بوده‌اند که سرزمین هند، بستر مناسبی برای رویش آموزه‌های بودا، به‌خصوص آیین بودای «مهایانه» نبود. هندی‌ها مردمانی بسیار مابعدطبیعی و آن‌سوگرا و جویای چیزهای فرا جهانی‌اند. در مقابل، چینی‌ها بیش از هر چیزی، مردمی اهل عمل و اخلاقی و تاریخ‌اندیش هستند. از این‌رو، حرکت اصول فلسفی «مهایانه» از هند به چین، بستر جدیدی را محیا ساخت که آیین بودا، بار دیگر تولد یابد.

آیین بودا تشابهاتی با آیین «دائو» داشت اما از نقطه‌نظراتی با اصول اخلاقی چینی‌ها مغایر بود. اجتناب از ازدواج در میان راهبان بودایی، سنت احترام و نکوداشت ارواح نیاکان را - که نزد چینی‌ها بسیار رایج و محترم بود- خدشه‌دار می‌کرد، زیرا نسلی از راهبان بر جای نمی‌ماند. در این راستا، عدم اشتغال رهروان برای تهیه‌ی معاش نیز برای چینی‌ها قابل پذیرش نبود. در حالی‌که این امر در هند بسیار معمول بود.

در این گذار، چینی‌ها به‌علت تشابهاتی ما بین آیین بودا و دائو، بر آن شدند تا آیین بودایی را آن‌گونه که خود مایلند، بپذیرند و در این میان، رفته‌رفته «آیین بودای هندی مهاییانه» به «آیین بودای چینی» تغییر شکل داده شد. مترجمان چینی، نقش به‌سزایی را در این دگرگونی ایفا کردند. آن‌ها متون بودایی را بنابر منابع فکری خود ترجمه کردند و البته روند گسترش تعالیم مهاییانه به سبک و سیاق چینی آن، مدت زمان زیادی را صرف کرد.

بزرگ‌ترین شخصیتی که اندیشه‌ی مهاییانه را واقعا برای چینی‌ها پذیرفتنی و دل‌نشین کرد «کوماره جیوه» بود که در 401 میلادی در بیست‌وهشت سالگی به «چانگ-آن» وارد شد و به‌همراه شاگردان اندیشمندش، در مدت دوازده سال، سی‌وپنج سوره و «شاستره» را ترجمه کرد که حاوی سیصد جزوه بود. ترجمه‌های وی، برای چینی‌ها و ذهنیت چینی بسیار پذیرفتنی بود. پس از او «پرم آرته» (499-569) روشنگر بزرگ مهاییانه بود که در 546 میلادی، به جنوب چین رفت و با پذیرش مشقات و رنج‌های بسیار، موفق به ترجمه‌ی هشتاد متن شد.

«جی‌پی» (538-597) از اولین افرادی بود که به نظرپردازی و بیان اندیشه‌های چینی مهاییانه پرداخت و مکتب «فاهوآ» (تیئن‌دایی- در ژاپنی: تن‌دایی) را بنا کرد.

هم‌چنین «جی‌زانگ» (549-623) و «فا زانگ» (643-712) نیز مکاتب «سان‌لون» و «هوآیین» را پایه‌گذاری کردند. به این‌ترتیب، اندیشه‌های مهاییانه توسط چینی‌ها متحول شد و آیین بودای چینی به‌شکلی که با سبک هندی آن تفاوت‌های بسیاری داشت، شکل گرفت. به این ترتیب مکتب «تیئن‌دایی» و فلسفه‌ی «فازانگ»، واقعن سعی چینیان بود در گرداندن آیین بودای هندی به آیین بودای چینی.

در چین، روح آیین بودا در «مهایانه» نمایان شد نه در «هینه‌یانه»، زیرا مهاییانه از نظر روحی و عقلی، آن نیروی حیاتی را دارد که بتواند انگیزه‌ای برای ذهنیت چینی باشد. مهاییانه‌ی هندی در چین از یک‌سو

مکاتبی چون «چن» و «که‌گون» و «تن‌دایی» شد و از سوی دیگر مکتب «چینگ‌تو» (به ژاپنی جودو). در طی سالیان، مکاتب بسیاری خلق شد که گاه ریشه‌ای هندی داشته و گاه کاملاً چینی بودند.

آیین بودا در چین معاصر

پس از انقلاب «مائو»، دین‌گرایی در چین نزولی بی‌سابقه یافت. اما اساساً، دین‌گرایی در شرق دور با آنچه در جهان رسمیت دارد، متفاوت است. یک فرد چینی ممکن است در آن واحد سه دین داشته باشد و یا فاقد دین بوده اما به زیارت یک معبد برود. برای یک چینی غیر متعصب، داشتن یک دین صرف، امری الزامی نیست. چینی‌ها بیش‌تر با باورها و سنت‌ها زندگی می‌کنند و نه با قوانین دین، که البته این امر در مورد افراد تک دینی چین – مانند مسلمانان - و یا افراد متعصب، عمومیت ندارد.

امروزه هرچند دولت چین، مذهب اقلیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد، اما همچنان روند محو کردن مذهب در چین، در زیرساخت‌های سیاسی حزب حاکم این کشور وجود داشته و آیین بودا نیز زیر ذره‌بین این حزب قرار دارد.

منبع‌ها (بخش اول و دوم):

ا.ادلر، جوزف، دین‌های چینی، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، 1383

پاین، رد، تعلیم ذن بودیدارما، ترجمه نامدار نادری، انتشارات بهجت، 1382

جای، چو - جای، وینبرگ، تاریخ فلسفه چین، ترجمه ع. پاشایی، نشرگفتار، 1369

جرالد، فیتز، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1367

سوزوکی، بئاتریس لین، راه بودا، ترجمه ع. پاشایی، نشر نگاه معاصر، 1380

هاکینز، برادلی، دین بودا، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز

askasia.org

buddhanet.net

depts.washington.edu

en.wikipedia.org

hinduwebsite.com

villa.lakes.com